

# تحولات میدانی و سیاسی سوریه

امین پرتو\*

## اشاره:

روند تحولات سیاسی و نظامی مرتبط با جنگ داخلی سوریه چنان سریع و برق‌آسا و در جبهه‌های مختلف جغرافیایی و سیاسی در حال وقوع است که جمع‌بندی همه آنها به دشواری مقدور خواهد بود. این دشواری با رویدادهای جدیدی همچون تغییرات پی‌درپی صحنه نبرد، تغییر موضع بازیگران سیاسی مانند کردها، رفتار مبهم ایالات متحده و مشخص نبودن اقدامات عربستان سعودی و ترکیه، از این حیث که آیا دست به مانور تبلیغاتی می‌زنند یا اینکه واقعا دست به اقدامات حاد نظامی خواهند زد، افزون‌تر شده است. پیشروی ارتش سوریه با حمایت هوایی روسیه که در چهارماه اول حضور نظامی مسکو در سوریه، کند و بطئی بود، به ناگاه از ماه فوریه با پیروزی‌های چشمگیر در حلب، لاذقیه و درعا همراه شده است. گفتگوهای موسوم به «ژنو» میان دولت سوریه و مخالفان شکست خورد؛ آمریکا و روسیه علی‌رغم تأکید شفاهی بر لزوم دستیابی به راه‌حل سیاسی در سوریه، همچنان هر یک به کار خویش، مشغولند. عربستان و ترکیه با طرح حضور نظامی زمینی در سوریه برای مبارزه با داعش کلیه ناظران سیاسی را غافلگیر کردند. کردهای سوریه با حمله ناگهانی به مخالفان اسد در شمال حلب دست به اقدامی بی‌سابقه زدند که موجب شد ترکیه مبادرت به اقدام نظامی علیه آنها کند. آنچه در این میان تداوم داشته، تلفات غیرنظامی گسترده و پدید آمدن امواج تازه‌ای از آوارگان سوری است. در این میان ناتو برای نخستین بار برای ممانعت از مهاجرت آوارگان به اروپا دست به کاربرد کشتی‌های جنگی نیروی دریایی خود زده است.

## مقدمه

او برقرار است تضعیف روزافزون جبهه مقاومت و تشدید قدرت تروریست‌های تکفیری را بیش از پیش تسهیل خواهد کرد. دشمنان اسد، چه مخالفان میانه‌رو که اغلب نام ارتش آزاد را یدک می‌کشند و چه اسلام‌گرایان جهادی که با جبهه نصرت متحد یا از آن جدا هستند، به چیزی به جز کنار رفتن اسد رضایت نمی‌دهند. تکلیف داعش مشخص است و همه طرف‌های درگیری خواهان نابودی آن هستند. در این میان آیا مذاکره ممکن خواهد بود؟ اسد اعلام کرده است که کلیه مخالفان دولت که مسلح هستند، تروریست محسوب می‌شوند و دولت هم با آنها مذاکره‌ای نخواهد کرد. پس حضور نمایندگان او در گفتگو با مخالفان چه معنایی دارد؟ بشار جعفری، نماینده اسد در مذاکرات، مخالفانی که در مذاکرات مسکو شرکت کردند را تنها اپوزیسیون دارای مشروعیت و غیرتروریست می‌داند.

یافتن توضیحی برای این مسئله که هر یک از بازیگران درگیر در جنگ داخلی سوریه به دنبال چیست، به جز آنچه آمریکا به دنبال آن است، کار دشواری نیست. بشار اسد هیچ تمایلی به کناره‌گیری از قدرت ندارد؛ او به روشنی اعلام کرده است که جنگ را تا پاکسازی تمام سوریه از تروریست‌ها، ادامه خواهد داد. ایران که در کنار سایر گروه‌های مقاومت در کنار ارتش این کشور ایستاده است، همراه وفادار اسد باقی خواهد ماند. زیرا رفتن اسد و ترتیبات سیاسی که با

مسیحی و ترکمن در سوریه است اما آمریکا در مواضع رسمی، ضمن رد تجزیه سوریه و پذیرش مشروعیت الحاق جولان اشغالی به اسرائیل، بر تمامیت ارضی و موجودیت واحد سوریه تأکید کرده است.

توضیح رفتار روسیه گرچه شاید پیچیده بنماید اما با نگاهی نتیجه‌گرایانه چندان دشوار نخواهد بود. روسیه اعلام کرده است که تنها مردم سوریه تعیین‌کننده هستند که اسد بر سر کار بماند یا نه و البته اسد حق شرکت در انتخابات به منظور پاسخ به این مسئله را دارد. روسیه از دستیابی به راه‌حل سیاسی حمایت کرده و هدف عملیات نظامی خود را نابودی داعش و شبکه القاعده در سوریه معرفی کرده است. در مقابل ارتش آزاد و گروه‌های متحد آن بیشترین صدمه را از حملات هوایی روسیه متحمل شده‌اند. از طرف دیگر، در حالی که روسیه از تعهد به برقراری آتش‌بس فوری داد سخن سر داده، اما لزوم تداوم عملیات نظامی تا پاک‌سازی مناطق مهم و مرزها از «تروریست‌ها» را مورد تأکید قرار داده است. آنچه روسیه می‌خواهد، برتری نظامی برای اسد در مذاکرات آینده است که طی آن در دست داشتن شهرهای مهم و مناطق حساس، مبنایی برای کسب امتیازات سیاسی باشد. باقی ماندن اسد یا ترتیباتی که با او برقرار بوده است امتیاز مطلوب مسکو است. اگرچه به نظر می‌رسد شکست نخوردن در سوریه، از جنبه پرستیژ سیاست داخلی و اعتبار معنوی، برای ولادیمیر پوتین که گرفتار بحران اقتصاد داخلی است، اهمیت بیشتری نسبت به حفظ پایگاه‌های نظامی روسیه در طرطوس و لاذقیه دارد.

اما مسئله این است که آن مخالفان حضوری در داخل سوریه ندارند و گفتگو و توافق با آنها منتهی به خاتمه جنگ داخلی در سوریه نمی‌شود. بدیهی است که این مواضع حاکی از آن است که قصد اسد از مذاکرات، خریدن زمان برای کسب پیروزی‌های نظامی بیشتر به ویژه در حال حاضر است که تفوق نظامی قابل توجهی با حمایت روسیه و ایران کسب کرده است. در برابر این روشنی، با مواضع مبهم آمریکا و روسیه مواجهیم. آمریکا به روشنی باقی ماندن اسد در قدرت را غیرممکن خوانده و این فکر که اسد می‌تواند پیروز نظامی نهایی باشد را خطا دانسته است. آمریکا به حمایت از برخی از گروه‌های مخالف اسد پرداخته است، اما این حمایت با افت و خیز همراه بوده و همه‌جانبه هم نیست. با وجود این آمریکا مانع از تحویل موشک‌های ضدهوایی از سوی عربستان به مخالفان اسد شده است و حتی ارسال موشک‌های تاو را هم کنترل شده صورت داده است. آمریکا خواستار همکاری با روسیه شده است اما تلویحا با ناامیدی از این همکاری، هم به صراحت خودداری از رویارویی با روسیه را متذکر شده و هم اینکه به گفته جان کری، وزیر خارجه، دارای یک «نقشه ب» برای سوریه در صورت شکست خوردن دیپلماسی خواهد بود. این رفتار مبهم آمریکا موجب سردرگمی متحدانش شده است؛ به ویژه آنکه رئیس‌جمهور آمریکا در روزهای اخیر توافق مقدماتی خود را با روسیه اعلام کرد. عربستان سعودی گمان می‌کند که از جانب آمریکا تنها گذاشته شده است زیرا ظاهرا بعد از توافق هسته‌ای، آمریکا، ایران را در خاورمیانه به حال خود باقی گذاشته تا با منبع مالی تازه به دست آورده‌اش، اسد را در پایان جنگ یاری کند. وضعیت ترکیه در این میان از عربستان جالب‌تر است. ترکیه کردهای سوریه را متحد پ.ک.ک. و تروریست می‌داند در حالی که آمریکا چنین نظری ندارد و حمایت تسلیحاتی و همکاری نظامی گسترده‌ای با آنان در شمال سوریه علیه داعش ترتیب داده است. ترکیه به روشنی اعلام کرده است که آمریکا باید میان آنکارا و کردهای سوریه یک کدام را برگزیند. در مقابل آمریکا بر نظر خود تأکید کرده و ترکیه را از حمله علیه کردهای سوریه بر حذر داشته است. اسرائیل نیز در این خصوص در وضعیتی ناروشن به سر می‌برد. اگرچه به نظر می‌رسد رفتار آمریکا در خصوص پیروز نشدن هیچ یک از طرفین نبرد و حمایت از کردها، حاکی از در پیش گرفتن طرحی برای تجزیه سوریه یا دست‌کم حاکم ساختن نظامی از فدراسیون‌های خودمختار سنی، علوی، کرد و یا حتی

## تحولات میدانی سوریه

ارتش سوریه در فوریه ۲۰۱۶ پیشروی‌های چشمگیری را در جبهه‌های مختلف تجربه کرد که از شروع مداخله نظامی روسیه در سوریه بی‌سابقه بوده است. در مهم‌ترین جبهه، نیروهای مقاومت توانستند محاصره چند ساله دو شهرک علوی نشین نبل و الزهرا را در هم بشکنند و با پیشروی به سوی شمال نیروهای شورشی در شهر اعزاز و پیرامون آن را محاصره کنند. اکنون کوشش نیروهای دولتی تکمیل محاصره شورشیان در درون شهر حلب است. پیشروی در لاذقیه هم با تصرف شهر سلمی و عقب راندن شورشیان به سوی شرق ادامه یافته است. در درعا دو شهر شیخ مسکین و عثمان، اولی پس از مدتی مقاومت و دومی به سرعت به دست نیروهای دولتی افتاد. پیشروی در حمص و حما توسط نیروهای دولتی ادامه یافته است، با این حال در غوطه شرقی دمشق، در کمین مرگبار شورشیان ده‌ها نظامی کشته شدند و اثر روانی نامطلوبی بر روی نیروهای دولتی تحمیل شد. به ویژه آنکه انفجار روزهای اخیر در حمص این مسئله را دوچندان کرد آنچه مشخص است اینکه با فشار سنگین بمباران هوایی روسیه از یک طرف و عملیات گسترده نیروهای هوادار اسد، مخالفان در وضعیت تدافعی قرار دارند. کمبود مهمات مخالفان، افزایش تلفات و فروافتادن در محاصره که ضعف در بلندمدت را موجب می‌شود، دشواری اساسی مخالفان است. همان اتفاقی که برای غوطه شرقی، داریا و دوما، منطقه قلمون و ریف شمالی حمص افتاد، یعنی محاصره شدن، قطع تماس با خارج،

اتمام مهمات، کاهش تعداد نیروها و در نهایت تسلیم و فروپاشی؛ نیروهای مخالف را در سایر جبهه‌ها تهدید می‌کند. تنها چاره برای آنها، حفظ مرزهایی است که در شمال با ترکیه و در جنوب با اردن در اختیار دارند تا از این طریق به حداقلی از مهمات و امکانات دست یابند. با این حال حملات تروریستی اخیر در زینیه و حمص که در نتیجه عملیات انتحاری و بمب‌گذاری روی داد، نشان می‌دهد که وضعیت میدانی را نمی‌توان در حال حاضر به صورت قاطع به نفع ارتش و نیروهای دولتی ارزیابی کرد زیرا این عملیات‌ها در مناطقی که تصور می‌شد آرامش در آنها حاکم شده است، روی داد. بنابراین گزینه امنیت پایدار حتی در صورت موفقیت‌ها و پیروزی‌های بیشتر نیروهای اسد، همچنان جای تردید است.

اما جالب توجه‌ترین تحول میدانی، مربوط به مداخله نظامی ناگهانی کردها در شمال حلب بود. نیروهای موسوم به «یگان‌های مدافع خلق» (البته با حمایت هوایی روسیه) با حمله به فرودگاه «منغ» در شمال حلب که در کنترل جبهه نصرت بود، آن را تصرف کرده و سپس به سوی نواحی مجاور آن و شهر «تل رفعت» پیشروی کردند. در حالی که مخالفان اسد، در جنوب با هواداران دولت و در غرب با داعش درگیر هستند، حال باید در شرق با نیروهای کرد وارد نبرد شوند. قصد نیروهای کرد، به احتمال فراوان پیشروی به سوی شرق برای اتصال منطقه عفرین به ساحل شرقی فرات و منطقه کوبانی است. این حرکت، که پیشروی محدود در ماه قبل به سوی غرب فرات پس از تسلط بر سد تشرین مقدمه آن بود، با مخالفت جدی ترکیه مواجه شد. ترکیه بلافاصله حملات توپخانه‌ای علیه کردها را در منغ صورت داد و مواضع آنها را در شرق سوریه و منطقه قامیشلی، بمباران هوایی کرد. این اقدام ترکیه با مخالفت جدی آمریکا و فرانسه مواجه شد. اکنون ترکیه در دوراهی انتخابی حساس قرار دارد: دست زدن به اقدامی یکجانبه و بدون توجه به آمریکا یا تداوم سیاست ماشاات در برابر کردهای سوریه. اگرچه ترکیه در گذشته سابقه اقدامات یکجانبه و بدون توجه به آمریکا را (بحران ۱۹۷۴ قبرس) داشته است. پس از آنکه نیروهای کرد شهر «تل رفعت» در شمال حلب را تصرف و به سوی شهر «مارع» پیشروی کردند، ترکیه به حملات توپخانه‌ای علیه کردها شدت داد و در مقابل درخواست آمریکا برای توقف این حملات، به

## مذاکرات ژنو و پیامدهای شکست آن

چند دور مذاکرات برای خاتمه جنگ داخلی سوریه هیچ حاصلی در عرصه عمل، دربر نداشته است. گمان می‌رفت که با حضور ایران، مذاکرات روند نتیجه‌بخش تری به خود بگیرد، اما کندی روند مذاکرات همچنان بر قوت خود باقیست. یک دلیل آن است که شاید طرفین منازعه اراده‌ای برای مذاکره ندارند. از این رو سودای به راه انداختن یک «دیتون خاورمیانه‌ای» در سوریه راه به جایی نخواهد برد. مسئله تنها محدود به اصرار برای باقی ماندن یا نماندن اسد در قدرت نیست؛ حتی اینکه گروهی مانند «احرار الشام» یا کردهای سوریه باید در مذاکرات حاضر باشند یا نه، مشکل لاینحلی در این میان نخواهد بود بلکه مسئله این است که ترتیبات مربوط به آتش‌بس و کمک‌رسانی به شهرهای در محاصره -چه برسد به یافتن راه حل سیاسی- هیچ نقطه‌ای برای پذیرش و شروع ندارد. در حالی که آمریکا وعده آتش‌بس از اواخر فوریه و روسیه پیشنهاد آتش‌بس از اول مارس را داده بودند، بشار اسد اعلام کرد که عملیات نظامی تا زمان پاکسازی کامل مخالفان و در طول تمامی مذاکرات ادامه خواهد یافت. بیان مسائلی از این دست یا اینکه کلیه مخالفان مسلح تروریست هستند و با آنها مذاکره نخواهد شد، به این معنا است که اسد هنوز قصد مذاکره با طرف‌های خود را ندارد. رفتار روسیه هم که هیچ نشانی از توقف عملیات نظامی در بر ندارد و موید همین مسئله است که خبری از آتش‌بس نخواهد

روشنی اعلام کرد که واشنگتن بین آنکارا و کردهای سوریه باید یکی را انتخاب کند. حتی ترکیه تهدید کرد در صورتی که آمریکا به حمایتش از کردهای سوریه ادامه دهد، به فعالیت نظامی آمریکا از طریق پایگاه هوایی اینجریلیک و حریم هوایی ترکیه خاتمه خواهد داد. پس از وقوع حمله مرگبار انتحاری در نزدیکی ساختمان‌های نظامی و دولتی مهم آنکارا در ۱۷ فوریه که منتهی به کشته شدن ۲۸ تن (۲۴ نظامی و ۴ غیرنظامی) شد، انگشت اتهام بلافاصله از سوی ترکیه به سوی پ.ک.ک. و نیز ی.پ.گ یعنی یگان‌های مدافع خلق که بازوی نظامی کردهای سوریه است، نشانه رفت. هر دو گروه دخالت خود در این عملیات را منکر شدند. مطابق با آخرین خبرها، گروه موسوم به «شاهین‌های آزادی کردستان» مسئولیت این عملیات را پذیرفته است. گروهی که گفته می‌شود رهبری آن با «باهوز اردل» از سران سابق پ.ک.ک. است و در انشعاب از پ.ک.ک. و در انتقاد به کوتاه آمدن از آرمان استقلال کردستان، گروه مزبور را تشکیل داده است. این در حالی است که ترکیه مرتکب عملیات را یک کرد سوری و در ارتباط با پ.ک.ک. و ی.پ.گ معرفی کرده است و با استناد به این حمله خواستار توقف حمایت آمریکا از کردهای سوریه شده و به همین بهانه دخالت خود در سوریه را شدت داده است. در شرایطی که کردهای سوریه در شرق، موفق به آزاد ساختن بخش وسیعی از استان حسکه و شهر مهم «الشدادی» و نواحی وسیع پیرامون آن شده‌اند، در شمال حلب زیر حملات توپخانه‌ای سنگین ترکیه قرار گرفته‌اند و با گروه‌های تحت حمایت آمریکا -زیرشاخه‌های ارتش آزاد- درگیر هستند. مضحک‌ترین صحنه زمانی است که مخالفان اسد با موشک‌های تاو آمریکا، کردهای سوری مورد حمایت آمریکا را هدف قرار می‌دهند. برخی مقامات سیاسی -مانند رئیس‌جمهور فرانسه- مداخله نظامی ترکیه در سوریه را به طور جدی منتهی به جنگ میان ترکیه و روسیه اعلام کرده‌اند؛ ناتو هم در این میان اعلام کرده است که در صورت دخالت ترکیه در سوریه و در صورتی که این اقدام منتهی به جنگ میان مسکو -آنکارا شود، حمایتی از ترکیه نخواهد کرد. در این میان، قطعنامه پیشنهادی روسیه در شورای امنیت در جهت احترام به حق حاکمیت دولت سوریه (که به معنی منع مداخله نظامی ترکیه در سوریه است) با مخالفت آمریکا و فرانسه رد شد.



ویژه و با پشتیبانی سنگین هوایی و توپخانه‌ای عملیات مؤثر علیه داعش صورت دهند. سعودی و متحدانش هر یک با ارسال یک یا چند گردان نیروی ویژه می‌توانند نیروی کوچک اما کارآمدی در مقابله با داعش شکل دهند. اگرچه اینکه آنها در کدام جبهه زمینی وارد عمل شوند، مسئله‌ای بغرنج است. در شمال و از طریق مرز ترکیه، حوالی دو شهر منبج و الباب تنها محل آزاد رویارویی با داعش است. در جنوب و در مرز با اردن، منطقه کوچکی تحت کنترل «لواء شهدای یرموک» است که با داعش بیعت کرده است. آنچه باقی می‌ماند امکان کاربرد نیروهای چتر باز یا هلی‌بورن نیرو در عمق خاک سوریه و در نواحی مانند تدمر و رقه است که با توجه به خطرات متعدد آن (ساقط شدن توسط نیروهای سوری- روسی که غیرقانونی بودن حضور نظامی سعودی در خاک سوریه را اعلام کرده‌اند و نیز خطر نابرابری نیرو در برابر داعش) بعید به نظر می‌رسد.

نکته مهم که در تبیین رفتار عربستان و ترکیه باید مد نظر قرار گیرد، بی‌اعتمادی کامل هر دو به آمریکا است. این بی‌اعتمادی پس از دیدار جان کری با اپوزیسیون سوریه در ریاض تشدید شد. گفته می‌شود وزیر خارجه آمریکا به ریاض حجاب، هماهنگ کننده ارشد کمیته مذاکرات سوریه گفته است که آیا مخالفان اسد انتظار دارند آمریکا به خاطر آنها با روسیه وارد درگیری نظامی مستقیم شود؟ این سخن به این معنا است که از نظر آمریکا تسلیح بیشتر مخالفان اسد، به ویژه به سلاح‌هایی مانند موشک‌های دستی ضد هوایی، با پاسخ تند و احتمالاً خشن مسکو همراه خواهد بود. دیمیتری مدودوف، نخست‌وزیر روسیه، به صراحت گفته که هرگونه رویارویی زمینی یا دخالت نظامی به منظور تغییر سرنوشت سوریه حاصلی جز وقوع جنگ جهانی سوم نخواهد داشت. گفته می‌شود کری در مذاکرات ریاض، به اپوزیسیون سوریه تنها لزوم ورود به فاز گفتگوی سیاسی را خاطر نشان کرده است. همین ناامیدی از مواضع آمریکا، هم موجب شد تا حجاب، مذاکرات را بدون تحول در وضعیت روی زمین در سوریه بیهوده اعلام کند. قرار است مذاکرات در ۲۵ فوریه از سر گرفته شود اما مخالفان اسد، آزادی زندانیان و خاتمه منع ورود مواد مورد نیاز برای ساکنین مناطق تحت محاصره را شرط حضور خود در مذاکرات یا حداقل دستیابی به آن بلافاصله پس از خاتمه مذاکرات اعلام کرده‌اند. اما بدیهی است که این دو شرط تنها زمانی از سوی اسد پذیرفته

بود. به نظر می‌آید حتی اگر مذاکره جدی هم از سوی اسد صورت گیرد، انجامش موکول به تکمیل پیروزی‌های به دست آمده در حلب، درعا، حومه دمشق و لاذقیه است تا دست اسد در مذاکرات سیاسی را بالا ببرد. پیامد شکست مذاکرات، شدت گرفتن کوشش‌های عربستان و ترکیه برای ممانعت از نابودی مخالفان دولت سوریه است. زمانی که ریاض اعلام کرد نیروی زمینی به سوریه اعزام خواهد کرد، نخست با مضحکه محافل سیاسی و نظامی مواجه شد. اما پس از اعلام این موضع، کشورهای همچون بحرین، قطر و امارات متحده عربی همراهی خود با این کشور را اعلام کردند. زمانی که عربستان جت‌های جنگی خود را با موافقت ترکیه در پایگاه اینجریلیک مستقر کرد این مسئله که مداخله جدی سعودی- که ادعا شده صرفاً علیه داعش است- به چیزی بیش از مانور یا التماس حمایت بیشتر از آمریکا، تعبیر شد. به ویژه اینکه ترکیه هم اعلام کرده است برای مقابله با تروریست‌های متحد پ.ک.ک، یعنی کردهای سوریه آماده مداخله نظامی است و عملیات تاکنون محدودی را در این زمینه آغاز کرده است. برخی با توجه به جنگ فرسایشی طولانی مدت عربستان و متحدانش در یمن و کیفیت احتمالاً پایین نیروهای زمینی سعودی، به این پرسش که آیا این کشور قادر به انجام عملیات نظامی در سوریه علیه داعش هست یا خیر، پاسخ منفی می‌دهند. به ویژه اینکه متحدان سعودی مانند مصر هم از ورود به جنگ سوریه اکراه دارند. با این حال، عربستان و متحدانش، توان آن را دارند که با ارسال واحدهای عملیات



می‌شود که اجرای آنها اهمیت نظامی خود را از دست داده باشد. با این حال به نظر می‌رسد اعلام توافق مقدماتی آمریکا و روسیه در مورد آتش‌بس در سوریه، نشان از برخی توافقات طرفین در مورد سوریه داشته باشد که در این میان موافقت ایران با مفاد آن امری بسیار محتمل است.

### تحولات جدید در قضیه پناهجویان

کشیده شدن نبرد نیروهای هوادار اسد و مخالفانش به شمال حلب، موجب پدید آمدن موج جدیدی از آوارگان پناهجوی سوریه شده است. تخمین زده می‌شود بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار سوریه بر اثر این دور از درگیری‌ها آواره شوند. تنها مسیر در برابر آنها، در حالی که در شرق داعش، در غرب کردها و در جنوب نیروهای دولتی قرار دارند، مرز ترکیه است. با این حال ترکیه مرز خود را به روی پناهجویان سوریه بسته است. ترکیه به قدری از اقدامات صورت گرفته در خصوص بحران سوریه ناخشنود است که اردوغان، نخست وزیر این کشور، به صراحت اروپا را تهدید کرد که اگر فکری به حال سوریه نکنند، همه آوارگان سوریه را به اروپا روانه خواهد کرد. اروپا که دیگر تاب تحمل ورود بیشتر آوارگان را ندارد، اقداماتی جدی را در دستور کار قرار داده است: اخراج گسترده پناهجویان، فشار بر مقدونیه و یونان برای بستن مرزهایشان به روی پناهجویان و بالاخره دست به دامان ناتو شدن. در این میان ناتو برای نخستین بار کشتی‌های جنگی را به کار گرفته است تا علیه عملیات قاچاق انسان به اروپا در دریای مدیترانه به کار روند.

### نتیجه‌گیری

چهار ماه پس از شروع حضور نظامی روسیه در سوریه، نیروهای هوادار اسد موفق به پیشروی‌هایی نمایان در چند جبهه شده‌اند. این پیشروی احساس خطر عربستان و ترکیه را برانگیخته است. به ویژه از این جهت که آمریکا به سیاست مبهم خود در خصوص سوریه ادامه داده و کردهای سوریه هم با همکاری و همگامی با روسیه، علیه مخالفان اسد وارد عمل شده‌اند. برای ریاض و آنکارا تنها چاره به جای انتظار برای واکنش آمریکا، آن است که خود رأساً وارد عمل شوند و حمایت از مخالفان اسد را برای ممانعت از فروپاشی جبهه حلب و نقاط دیگر مانند لاذقیه

و در عا شدت بخشند؛ با داعش و کردها که دشمنان مخالفان اسد هم هستند، بجنگند و البته از این طریق به آمریکا نشان دهند که نباید از ترکیه و عربستان صرف نظر کند. به نظر می‌رسد آن گونه که آمریکا خود را مشتاق به همکاری با روسیه در مورد سوریه نشان می‌دهد و آنگونه که حمایت از کردهای سوریه را به یکی از ارکان سیاست خود بدل ساخته است، تنش در روابط میان آمریکا، ترکیه و عربستان بالا خواهد گرفت. با این وضعیت، امید به توفیق مذاکرات اندک خواهد بود و البته قصه پرغصه آوارگان سوریه و مردم آسیب‌دیده از جنگ که به سبب محاصره و بمباران و عملیات جنگی در تنگنای مرگ و زندگی هستند، ادامه خواهد یافت.